

## مجازات

در شماره پيش بايك بررسى کوتاه باين نتیجه رسيديم که سرقت در تمام ادوار تاريخ بعنوان يك جرم بزرگ بزشتى و تنفر ياد شده و همه شرايع و قوانين ملتهائى گذشته آنرا تقبيح نموده اند .

اسلام نيز سرقت را با شديدترين لحن تقبيح نموده و براى آن كيفر و عقوبتهائى خاصى مقرر فرموده است .  
فقهائى اسلام در تعريف «دزدى» اتفاق نظر دارند ، و آنرا عبارت از برداشتن پنهانى چيزى ميدانند که بگيرنده سپرده نشده و صاحبش آنرا در جائي مخفى نگه داشته است . (۱)

مجازات اين عمل طبق حکم قرآن کریم عبارت است از «قطع يد» .  
دست مردوزن سارق را بكيفر عملى که مرتکب شده اند ببريد ، اين مجازات از طرف خداوند است ، پروردگار مقتدر و حکيم ميباشد پس آنکس که توبه کند و کار خویش را اصلاح نمايد خداوند توبه او را ميپذيرد و خداوند بخشنده و مهربان است (۲)

در کتابهائى فقهى درباره انواع گوناگون اين جرم و شرايط لازم براى اجراى مجازات بجهائى زيادى شده است -

موارد اختلاف نظر ميان فقهائى اسلام عبارت از شئىء سرقت شده ، و اندازه وارزش آن ، محل سرقت و شرايط و موجباتى که فرد تحت تاثير آنها دست به سرقت زده ، نسبت سارق با صاحب مال و ... ميباشد .

در اين مطلب همه فقها اتفاق نظر دارند که مجازات «بريدن دست» شامل دزدى کمتر از ده درهم نميشود

و همچنين بين سرقتى که در يك محل محفوظ انجام گيرد با سرقتى که در محلى واقع شود که مورد حفاظت نيست تفاوت قائل شده اند و مجازات «قطع يد» را فقط شامل شق اول ميدانند .

ابويوسف فقيه بنام اهل سنت در کتاب خود مى نويسد : «دست کسى را براى دزدى از پدر و مادر و برادر و خواهر و پسر نميتوان قطع کرد ، و همچنين دست زنى را که از شوهر خود سرقت کند نبايد قطع نمود » (۳)

۱- کتاب الشرايع - کتاب الحدود و التعزيرات صفحه ۳۵۳ .

(۲) والسارق والسارقة فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا نكالا من الله والله عزيز حكيم

فمن تاب من بعد ظلمه واصلح فان الله يتوب عليه ان الله غفور رحيم (سوره مائده آيه ۳۸)

۳- کتاب الخراج تاليف ابويوسف صفحه ۱۷۰

## سرقت

و نیز فقها در تاثیر تو به در عدم اجرای مجازات سارق اختلاف نظر دارند، عده‌ای از جمله ابوحنیفه معتقدند که توبه او ممکن است باعث عفو از مجازات اخروی شود و بهیچوجه جلو مجازات « قطع ید » را نمی‌گیرد ولی مکتب شافعی بر این عقیده است که توبه به مسقط مجازات، هم در دنیا است و هم در آخرت.

اکنون پاره‌ای از شرائط و احکام حد و کیفر سرقت را بر می‌شمریم تا کسانی که تصور می‌کنند که این مجازات دارای یکنوع شدت و قسوت می‌باشد، متوجه گردند که این قانون آنقدر شروط و قیود دارد که بندرت ممکن است به مرحله عمل درآید، و بهمین جهت در آن روزگار که حدود و قوانین کیفری اسلام اجرا میشد در ظرف چهارصد سال فقط شش بار مجازات (قطع ید) عملی گردید و هم اکنون هم با وجود اینکه در قوانین جزائی عربستان سعودی مجازات دزدی، بریدن دست می‌باشد کمتر اتفاق می‌افتد که این قانون درباره کسی عملی شود. و در عین حال چون ندرتاً افرادی باین کیفر گرفتار می‌شوند اثر عجیبی در جلوگیری از سرقت دارد و بهمین دلیل

دزدی کمتر اتفاق می‌افتد.

### شروط و احکام قطع دست :

۱ - برای آنکه حد سرقت درباره سارق اجرا گردد باید در حین سرقت بسن بلوغ شرعی رسیده باشد. درباره طفل، شیخ طوسی در کتاب نه‌ایه باه تنادر روایاتی مجازات قائل شده ولی مشهور فقها فتوا می‌دهند که اگر کودکی دزدی کرد حد سرقت بر او جاری نشده بلکه باید وی را تعزیر و تادیب نمود. (۱)

۲ - سارقی که حد درباره او اجراء میشود باید عاقل باشد، دیوانه و لوانیکه مکرر دزدی کند مجازات نمیشود، زیرا او مکلف نیست.

۳ - سارقی بکیفر قطع دست محکوم میشود که با اختیار و اراده خود دزدی کند پس هر گاه کسی را به دزدی مجبور کنند حد بر او جاری نخواهد شد. (۲)

۱ - ولو سرق الطفل لم یحد ویؤدب  
.. (شرایع - کتاب الحدود و التعزیرات  
باب السرقة) .  
۲ - این سه شرط از شرائط عامه تکلیف است .

۷ - اگر سر بازی از غنایم جنگی که خود در بدست آوردن آن سهم بوده بر دارد، از حد سرقت معاف است بشرط آنکه این مقدار بیش از اندازه سهم و نصیب نباشد.

۸ - هر گاه شریکی از مال شریک دیگر بر دارد و ادعا کند که آن مال را سهم خود پنداشته از اجراء حد مستثنی است.

۹ - هنگام شبهه حد اجرایی گردد و بنابراین هر گاه بتوان احتمال داد که بردن مال بقصد سرقت نبوده کیفر قطع دست مجری نیست.

۱۰ - هر گاه شخص متهم پیش از آنکه جرمش بر حاکم شرع ثابت شود مال را بخرد و یا از راههای دیگری مالک آن شود، از کیفر سرقت معاف است.

۱۱ - آنگاه سرقت صدق میکند و سارق باید مطابق حد «قطع بد» مجازات شود که مال در پنهانی برده شود و از حرز (۷) مالک بیرون بر نه باشد، بنابراین اگر کسی مال غیر را که حفظ نکرده و یا آشکارا بطور قهر بر باید دزدی نیست

لا یقطع السارق فی ایام المجاعة (فروع کافی - کتاب حدود)

۷ - مراد از حرز جائی است که مال را برای محافظت در آن بگذارند، مثلا حرز پول و جواهرات صندوق در بسته و حرز میوه ها باغ و حرز چارپایان اصطبل می باشد.

۴ - کالای مسروق باید از نظر شرع «مالیت» داشته باشد یعنی عنوان مال بر آن صدق کند و اقلاً باندازه ربع دینار شرعی (بقیمت ۴۵ نخود طلای سکه دار) ارزش داشته باشد (۳).

۵ - از شرائط بریدن دست آنست که اموال مسروقه متعلق به فرزند سارق نباشد (۴)

۶ - دزدیدن طعام در سال قحطی حد ندارد، امام صادق (ع) فرمود: در سال قحطی و خشک سالی دست سارق بعلت سرقت چیز خوراکی از قبیل نان و گوشت بریده نمی شود، (۵) و نیز از آن حضرت روایت شده که امیر المؤمنین علی (ع) در ایام مجاعه و قحطی دست دزد را بجهت سرقت چیزهای خوراکی نمی برید (۶).

(۳) ، از فقهای عامه شافعی و احمد ابن حنبل نصاب آن را ربع دینار قرار داده اند و مالک در طلار ربع دینار و در نقره سه درهم گفته ولی ابوحنیفه نصاب آن را ده درهم قرار داده است (رجوع شود به کتاب خلاف تالیف شیخ طوسی).

(۴) : شافعی، ابوحنیفه، مالک و احمد بن حنبل گفته اند اگر مادر از مال فرزند و یا فرزند از مال پدر و مادر دزدی کند دست او را قطع نمیکنند. (کتاب خلاف و کتب فقهی عامه).

۵ - لا یقطع السارق فی سنة المحل فی کل شیء یؤکل مثل الخبز و اللحم .. (فروع کافی - کتاب حدود)

۶ - ... کان امیر المؤمنین (ع)

\* \* \*

تازه و قهتی سرقه بارعايت تمام شرائط ثابت شد حكومت اسلامي فضيلت شخص كنهكار و تمام خصوصيات زنده گي و سوابق او را در نظر ميگيرد و تا آنجا كه ممكن باشد از اجراء حد خودداری مي كند .  
واين در صورتیست كه مدرك اثبات جرم اقرار خود سارق باشد .

امير المؤمنین علی (ع) به سارقي كه به گناه خود اعتراف و توبه كرده بود فرمود :

آيا چیزی از قرآن را حفظ دارد؟  
او پاسخ داد : آری سوره بقره را محفوظم  
حضرت فرمود : من دست تو را بسوره بقره بخشیدم ! (۵)

بطور کلی درهمه مواردی كه سرقه از راه اقرار خود دزد ثابت شده باشد امام و حكومت اسلامي مختار است كه در صورت صلاح دید سارق را ببخشد و از اجراء حد بنامصالحي درگذرد .

۵ - برهان قرآن صفحه ۱۷۸ .  
(۶) : كتاب الشرايع - كتاب الحدود و التغيريات صفحه ۳۵۵

بلسكه داخل عنوان نصب ، خيانت ، اختلاس ( ۱ ) استلاب ( ۲ ) و طراری ( ۳ ) می باشد كه حكم آنها تاديب و تعزير است .

۱۲ - برای اثبات سرقه باید دو نفر عادل شهادت بدهند ، یا يك نفر عادل شهادت دهد و صاحب مال هم قسم یاد كند و یا خود سارق دومتوبه اقرار كند ، بنا بر این اگر يكبار اقرار كرد و از اقرار دفعه دوم سربازد ، حق صاحب مال بر ذمه او ثابت است ولی حد بر او جاری نمی شود . ( ۴ )

۱ - اختلاس آنست كه شخص مال دیگری را كه حرز نكرده به پنهانی بر یايد .

۲ - استلاب عبارت از این است كه مال غیر را آشكارا بر داشته و قرار كند .

۳ - طراریا جیب بر شخصی است كه دیگری را غافلگیر نموده جیبش را بزند و محتویات آن را ببرد .

محتال یعنی کسیكه با سند و نامه های دروغی و جعلی مال مردم را بگیرد ، در حكم طراری است .

۴ - مشروح شروط و قیود قطع بد در كتابهای فقهی مانند شرايع و جواهر آورده شده است .